



## ■ قوای مقننه امریکا و فرانسه در منظری همسنگ

دفتر سیاست خارجی و امنیت ملی

### مقدمه

پارلمان را منحل کند. یا مثلاً در رژیم ریاست جمهوری، تفکیک مطلق قوا حاکم است و نه پارلمان می تواند رئیس جمهور را از کار برکنار کند. نه رئیس جمهور می تواند پارلمان را منحل کند. همچنین رئیس جمهور در مقابل پارلمان مسئولیت ندارد؛ بلکه هر یک از قوای مقننه و مجریه وظایف و اختیارات خود را دارند. بالاخره این که در رژیم نیمه ریاستی بخشی از مشخصات رژیم پارلمانی و قسمتی از ویژگی های رژیم ریاست جمهوری حاکم است. به طوری که رئیس جمهور در مقابل پارلمان مسئول نیست اما می تواند پارلمان را منحل کند. از سوی دیگر حکومت و هیئت وزیران به ریاست نخست وزیر در مقابل پارلمان مسئول است و پارلمان می تواند

از رژیم های سیاسی و نظام های حکومتی موجود جهان طبقه بندی های مختلفی به عمل آمده است. طبقه بندی آنها به رژیم پارلمانی، رژیم ریاست جمهوری، رژیم نیمه ریاستی و رژیم دیکتاتوری یکی از مهمترین آنهاست. چنانچه در مبنای این تقسیم بندی دقت شود ملاحظه خواهد شد که اختیارات، وظایف و شیوه کارکرد نهادهای سیاسی و همچنین نظارتی که قوای سه گانه کشور بر یکدیگر دارند، به عنوان ملاک عمده این تقسیم بندی ظاهر می شوند. به طوری که مثلاً در رژیم پارلمانی همکاری قوا حاکم بوده و نخست وزیر که ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد، در مقابل پارلمان مسئول است. از سوی دیگر او می تواند

دولت را ساقط کند.

با توجه به آنچه گذشت، معلوم شد که آشنایی با وظایف و اختیارات قوای مختلف حاکم بر کشورها و بررسی تطبیقی آنها ما را به جوانب اشتراک و افتراق رژیم‌های سیاسی مختلف بیشتر واقف خواهد کرد. براین اساس در این نوشته سعی بر آن است تا وظایف و اختیارات قوه مقننه در دو کشور فرانسه و امریکا با دو نوع رژیم سیاسی متفاوت مورد مقایسه قرار گیرد. به این منظور ابتدا به طور خلاصه به ساختار حقوقی و کارکرد شکلی آن دو پرداخته و سپس وظایف و اختیارات مختلف قوه قانونگذاری در این کشور از قبیل وظیفه قانونگذاری، اختیارات مالی، اختیارات سیاسی، اختیارات نظارت بر قوه مجریه و غیره مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

### فصل اول - کلیات مربوط به ساختار شکلی کارکرد قوه مقننه

بدون شک ساختار شکلی نهادهای سیاسی و حقوقی تأثیر زیادی بر کارکرد آنها دارد. در حقوق اساسی کشورها نیز شکل نهادهای اساسی از اهمیت زیادی برخوردار است چرا که این نهادها در تعیین نوع رژیم سیاسی هر کشور سهیم هستند. به همین دلیل در اینجا قبل از بررسی وظایف و اختیار قوه مقننه در دو کشور ایالات متحده امریکا و فرانسه به طور گذرا اشاره‌ای به ساختار شکلی کارکرد قوه مقننه این دو کشور می‌شود.

### الف- جایگاه قوه مقننه در حقوق اساسی

۱- امریکا: طبق اصل اول قانون اساسی امریکا، حکومت منبعث از ملت است و ملت قدرت خود را از طریق منتخبین خویش اعمال می‌نماید و هر زمان که بخواهد می‌تواند آن قدرت را از حکومت سلب کند. علاوه بر این، در اعلامیه استقلال امریکا هم ذکر شده است که حکومت ناشی از تفویض قدرت از سوی ملت می‌باشد که تجلی آن را می‌توان در انتخاب نمایندگان پارلمان و همچنین انتخاب رئیس جمهور مشاهده نمود.

اگرچه در قانون اساسی امریکا به اصل تفکیک قوا تصریح نشده است، اما اصل مزبور مورد کمال علاقه سیاستمداران و قاطبه مردم امریکا است. همچنین حدود و وظایف سه قوه نیز تا سر حد امکان از هم جدا شده و تهیه‌کنندگان قانون اساسی کوشیده‌اند تا هیچ یک از آن سه قوه بر اثر نیرومند شدن در وظایف دیگری مداخله ننماید. به همین جهت هر یک از سه قوه در عین این که برای انجام وظایف مربوط به خود مستقل است ناظر بر قوای دیگر نیز می‌باشد.

در این میان، قوه قانونگذاری امریکا در انحصار کنگره این کشور بوده که از دو مجلس سنا و نمایندگان تشکیل شده است و برای وضع قوانین دارای استقلال کامل می‌باشد.

۲- فرانسه: طبق ماده اول قانون اساسی سال ۱۹۵۸، فرانسه یک جمهوری غیرقابل تجزیه و دمکراتیک اجتماعی است.

از این طبقه‌بندی چنین مستفاد می‌شود که تنظیم‌کنندگان قانون اساسی سال ۱۹۴۶ خواسته‌اند تفوق و برتری پارلمان، مخصوصاً مجلس ملی را بر سایر تأسیسات سیاسی نمایان سازند. اما تدوین‌کنندگان قانون اساسی سال ۱۹۵۸ سعی کرده‌اند رئیس جمهوری را عالی‌ترین مقام سیاسی و با اهمیت کشور معرفی نمایند و در نتیجه قوه مقننه را تضعیف نموده‌اند. بنابراین جمهوری پنجم فرانسه از نظر پارلمانی با نظام سیاسی جمهوری‌های سوم و چهارم اختلاف دارد و جنبه پارلمانی بودن آن کمتر است تا حسدی که می‌توان آن را رژیم نیمه‌ریاستی نامید.

همان‌طور که گفته شد به موجب ماده سوم قانون اساسی سال ۱۹۵۸، حاکمیت ملی متعلق به ملت است و اعمال این حاکمیت به‌وسیله نمایندگان و از طریق شرکت در انتخابات به عمل می‌آید. خواسته‌های ملت فرانسه در دو مجلس ملی و سنا توسط نمایندگان آنها تجلی می‌یابد و مجموعاً قوه مقننه این کشور را تشکیل می‌دهد که وظیفه قانونگذاری را بر عهده دارد.

**ب- شرایط کسانی که به عنوان نماینده انتخاب می‌شوند**

۱- آمریکا: طبق بند دوم از اصل اول قانون اساسی آمریکا، کسانی که به عضویت مجلس نمایندگان انتخاب می‌شوند باید حداقل ۲۵ سال سن داشته باشند و قبل از انتخاب شدن حداقل هفت سال تبعه آمریکا

همچنین به موجب ماده دوم، حکومت این کشور براساس اصل «حکومت مردم بر مردم و به دست مردم» استوار است. ماده سوم قانون اساسی این کشور نیز اعلام می‌کند که حاکمیت متعلق به ملت است و هیچ طبقه‌ای از طبقات و هیچ فردی از افراد نمی‌تواند رأساً اعمال حاکمیت نماید. ملت فرانسه حاکمیت خود را در مسائل اساسی به‌وسیله نمایندگان خود در مجالس مقننه اعمال می‌کند.

برخلاف جمهوری چهارم که پارلمان از قدرت زیادی برخوردار بود، ولی در جمهوری پنجم قوه مقننه به شدت تضعیف شده است.

به موجب قانون اساسی سال ۱۹۴۶، در جمهوری چهارم نهادهای سیاسی کشور فرانسه به شرح زیر طبقه‌بندی شده بود:

- ۱- پارلمان؛
- ۲- شورای اقتصادی؛
- ۳- رئیس جمهوری؛
- ۴- شورای وزیران.

اما به موجب قانون اساسی سال ۱۹۵۸، در جمهوری پنجم طبقه‌بندی نهادهای سیاسی کشور فرانسه تغییر یافته و به تناسب اهمیتی که از نظر واضعین قانون اساسی داشته‌اند به شرح زیر عنوان شده‌اند:

- ۱- رئیس جمهور؛
- ۲- پارلمان؛
- ۳- شورای قانون اساسی؛
- ۴- دیوان عالی دادگستری؛
- ۵- شورای اقتصادی و اجتماعی.

نوامبر سال ۱۹۵۸ و به استناد مفاد قانون اساسی، به همان شیوه‌ای که در جمهوری سوم و چهارم برای انتخاب اعضای سنا متداول بود، انتخاب می‌شوند. بدین معنی که تعداد ۲۷۳ سناتور به طور غیرمستقیم برای مدت ۹ سال انتخاب می‌شوند و هر سه سال یک بار نسبت به  $\frac{1}{3}$  آنها تجدید انتخاب صورت می‌گیرد. حداقل سن برای نمایندگان سنا ۳۵ سال است.

قابل ذکر است که در فرانسه نمایندگی مجلسین با قبول یا ادامه مشاغل دولتی مانع‌الجمع است. از سوی دیگر داشتن سمت نمایندگی هر یک از دو مجلس ملی و سنا مانع عضویت در مجلس دیگر است.

#### ج- دوره اجلاس

مقصود از دوره اجلاس مدت زمانی است که در آن نمایندگان هر یک از دو مجلس می‌توانند قانوناً اجتماع نمایند و تشکیل جلسه دهند.

۱- امریکا: به موجب قانون اساسی امریکا، کنگره هر سال حداقل یک اجلاس خواهد داشت که این اجلاس در سوم ژانویه هر سال شروع می‌شود مگر این که اعضای کنگره روز دیگری را تعیین نمایند. وقتی که دوره اجلاس کنگره آغاز می‌گردد آن قدر طول می‌کشد تا این که کارش تمام شود و لذا مدت معینی برای تشکیل جلسه ندارد. در قرن نوزدهم میلادی بعضی از دوره‌های اجلاس رسمی کنگره سه ماه طول می‌کشید. کوتاه‌ترین دوره اجلاس کنگره امریکا دوره اجلاس شماره ۳۴ در سال ۱۸۵۶ بود که به مدت ۱۰ روز طول کشید.

بوده و هنگام انتخاب شدن نیز ساکن ایالتی باشند که از آن انتخاب می‌شوند. مدت عضویت در مجلس نمایندگان دو سال است. تعداد نمایندگان نیز به این صورت است که هر ایالت صرف‌نظر از تعداد جمعیت یک نماینده در مجلس خواهد داشت و برای مابقی اعضای مجلس به نسبت هر ۳۸۰,۰۰۰ نفر یک نماینده در نظر گرفته شده است.

برای مجلس سنا نیز هر ایالت بدون در نظر گرفتن جمعیت آن دو نماینده انتخاب خواهد کرد. کسی که می‌خواهد به نمایندگی مجلس سنا انتخاب شود باید حداقل ۳۰ سال سن داشته باشد و از ۹ سال قبل از سالی که در آن انتخاب می‌شود تبعه امریکا باشد و هنگام انتخابات نیز ساکن ایالتی باشد که از آن انتخاب می‌شود. سناتورهای امریکا برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند اما هر دو سال یک بار نسبت به  $\frac{1}{3}$  آنها تجدید انتخاب صورت می‌گیرد.

۲- فرانسه: مجلس ملی فرانسه دارای ۵۸۲ نماینده است که طبق ماده ۲۴ قانون اساسی سال ۱۹۵۸ با آرای مستقیم تمام فرانسویانی که حق رأی دارند برای مدت ۵ سال انتخاب می‌شوند. لازم به ذکر است که ۱۰ نفر از نمایندگان مجلس ملی فرانسه از سرزمین‌های آن سوی دریا یعنی مارتینیک، گوادالوپ، گویان و رنونیون می‌باشند. حداقل سن برای کسانی که به نمایندگی مجلس ملی انتخاب می‌شوند ۲۳ سال است.

در رابطه با نمایندگان مجلس سنای فرانسه به موجب لایحه قانونی پانزدهم

جلسات فوق العاده باید دستور جلسه محدود و معینی داشته باشد و به محض این که بحث در اطراف دستور جلسه خاتمه یافت، جلسات هم پایان می یابد. در هر حال، دوره اجلاس فوق العاده نباید بیش از دوازده روز به طول انجامد اما در مواردی که رئیس جمهوری تقاضای تشکیل جلسات فوق العاده را می نماید این قیود و محدودیت ها وجود ندارد.

گذشته از موارد فوق، قانون اساسی سال ۱۹۵۸ در دو مورد تشکیل دوره اجلاس استثنایی را پیش بینی کرده است که در این دو مورد پارلمان رأساً و بدون این که احتیاج به دعوت داشته باشد، تشکیل می گردد و در این مدت رئیس جمهور نمی تواند با استفاده از اختیارات خود برای انحلال مجلس اقدام کند. دو مورد مذکور عبارت اند از:

۱- جلساتی که بعد از انحلال تشکیل می شود.

۲- موقعی که رئیس جمهور تصمیم می گیرد از اختیارات فوق العاده مندرج در ماده شانزده قانون اساسی استفاده کند. مدت دوره اجلاس در این موارد پانزده روز می باشد.

د- کمیسیون ها و کمیته های داخلی مجلس مقننه

۱- آمریکا: مجلس نمایندگان آمریکا دارای ۲۰ کمیته است که هر یک مأمور رسیدگی به یک قسمت از لوایح است. لوایح بعد از این که در کمیته ها مطرح شد و اصلاح گردید

علاوه بر این جلسات که به اسم جلسات رسمی یا منظم خوانده می شود کنگره آمریکا ممکن است به دستور رئیس جمهور جلسات فوق العاده تشکیل دهد. ریاست کنگره نیز با رئیس مجلس سنا است. در جلسه افتتاحیه دعا خوانده می شود و بعضی مراسم مذهبی نیز انجام می گیرد. متعاقب آن، اعضای جدید سوگند یاد کرده و رؤسای قسمت ها و کمیسیون ها انتخاب می شود.

۲- فرانسه: قانون اساسی سال ۱۹۵۸ فرانسه مقررات و قواعد مؤکد و مصرحی در مورد تشکیل جلسات مقرر داشته است اما آیین نامه داخلی مجلس ملی پیش بینی کرده که کمیسیون های پارلمانی خارج از دوران اجلاس هم ممکن است فعالیت داشته باشند. اما به طور کلی در دوران اجلاس معمولی که به موجب قانون اساسی تعیین گردیده است، نمی توان مانع تشکیل جلسات پارلمان گردید.

دوران اجلاس معمولی پارلمان فرانسه طبق مفاد قانون اساسی دو نوبت در سال خواهد بود. دوره اول از اولین سه شنبه ماه اکتبر هر سال شروع و به سومین چهارشنبه ماه دسامبر آن سال خاتمه می یابد. دوره دوم از آخرین چهارشنبه ماه آوریل هر سال شروع می شود و نباید بیش از سه ماه به طول انجامد. خارج از دوران اجلاس معمولی و معمولی مجلسین، ممکن است پارلمان برای تشکیل جلسات فوق العاده هم دعوت شود که طبق قانون اساسی سال ۱۹۵۸،

سیستم فرانسوی که مشابه سیستم امریکایی است، می‌باشد. در این روش که از سال ۱۹۰۲ معمول و متداول بوده است تعدادی کمیسیون دائمی اختصاصی مانند کمیسیون دادگستری، دارایی، امور خارجه و غیره وجود دارد که تعداد آنها در جمهوری چهارم در مجلس ملی ۱۹ کمیسیون بود ولی قانون اساسی سال ۱۹۵۸ شماره کمیسیون‌های هر یک از مجلسین را به شش کمیسیون دائمی محدود کرده است.

علاوه بر موارد فوق، در جمهوری‌های سوم و چهارم کمیسیون تحقیق و بازرسی وجود داشت که با کمیسیون‌های دائمی و اختصاصی اختلاف زیاد دارد و فقط برای رسیدگی به موضوعات خاص و معین مانند جنجال‌های سیاسی یا مالی یا بروز وقایع فوق‌العاده تشکیل می‌شد. در جمهوری پنجم نیز به موجب لایحه قانونی ۱۷ نوامبر سال ۱۹۵۸ این کمیسیون‌ها به وجود آمد اما ادامه کار و عمل آنها نباید بیش از چهارماه به طول انجامد. اعضای کمیسیون تحقیق با رأی مخفی انتخاب می‌شوند. چاپ و انتشار اطلاعات مربوط به کمیسیون تحقیق و همچنین صورت مذاکرات و گزارشات آنها ممنوع است.

#### ه- حقوق و مزایای نمایندگان مجالس قانون‌گذاری

۱- امریکا: به موجب بند ششم اصل اول قانون اساسی امریکا نمایندگان کنگره در ازای خدمات خود حقوقی که قانون مقرر می‌دارد و از خزانه کشور پرداخت می‌شود دریافت می‌کنند. به موجب مفاد این اصل،

برای تصویب به جلسه علنی احاله می‌شود. البته تعداد کمیته‌ها و اعضای هر یک از آنها ثابت نیست و به مناسبت حوادث و رویدادهای مختلف ممکن است کمیته‌های جدیدی به وجود آید. مثلاً تا سال ۱۹۵۷ مجلسین امریکا دارای کمیته‌ای به نام «کمیته فضایی و علوم فضایی» نبودند ولی در حال حاضر هر دو مجلس دارای کمیته‌ای به این نام هستند و قوانین مربوط به فضایی و مسافرت به ماورای جو و کرات آسمانی در آن کمیته مورد شور قرار می‌گیرد و گزارش آن برای طرح در جلسه علنی مجلس نمایندگان آماده می‌شود.

مجلس سنای امریکا نیز دارای شانزده کمیته است و قوانینی که باید در مجلس سنا به تصویب برسد اول در کمیته‌ها مورد شور قرار می‌گیرد و بعد از انجام اصلاحات لازم برای تصویب به جلسه علنی سنا فرستاده می‌شود.

۲- فرانسه: برای تشکیل کمیسیون‌های پارلمانی در فرانسه دو روش وجود دارد. اول سیستم انگلیسی که در آن تعدادی کمیسیون دائمی وجود ندارد. به موجب ماده ۴۳ قانون اساسی سال ۱۹۵۸ ممکن است برای طرح‌ها و لوایح تشکیل کمیسیون خاص تقاضا شود. هرگاه چنین تقاضایی به عمل نیاید موضوع به کمیسیون دائمی مربوطه احاله خواهد شد. کمیسیون‌های اختصاصی تا خاتمه صدور رأی پارلمان در مورد طرح یا لایحه قانونی مورد بحث باقی خواهند ماند.

دومین روش برای تشکیل کمیسیون‌ها

می‌گردد.

## فصل دوم - بررسی تطبیقی وظایف و

### اختیارات قوه مقننه امریکا و فرانسه

قبل از این که وارد بحث وظایف و اختیارات قوه مقننه در کشورهای امریکا و فرانسه بشویم باتوجه به این که در هر دو کشور مذکور قوه مقننه از دو مجلس تشکیل شده است، لازم است به‌طور خلاصه اختیارات و اقتدارات هر یک از دو مجلس در مقابل یکدیگر و همچنین برتری یا تساوی اقتدارات آنها را مورد بحث قرار دهیم تا درک مبحث وظایف و اختیارات قوه مقننه در این دو کشور آسان‌تر شود.

### الف - وظایف و اختیارات هر یک از دو

#### مجلس

۱- امریکا: قوه مقننه امریکا از دو مجلس نمایندگان و سنا تشکیل شده است و برخلاف بسیاری از کشورهای دو مجلسی که در آنها یکی از دو مجلس بر دیگری برتری دارد بدون شک در امریکا این‌طور نیست چون از لحاظ قدرت یا نفوذ به هیچ‌وجه تمایزی بین مجلس سنا و مجلس نمایندگان وجود ندارد. مجلس سنا دارای دو اختیار است که مجلس نمایندگان فاقد آن می‌باشد. یکی تصویب تعهدات رئیس جمهور به‌وسیله دو سوم آرا و دیگری موافقت با انتصابات مهم ریاست جمهوری. با این وجود مجلس نمایندگان نیز اختیارات مخصوص به خود دارد. قانون اساسی به

حقوق و مزایای سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان یکسان است.

۲- فرانسه: به موجب لایحه قانونی سیزدهم دسامبر سال ۱۹۵۸ برای تعیین میزان حقوق نمایندگان مجلسین ملی و سنا همان روش و میزانی که در جمهوری چهارم متداول بوده است ادامه یافته، بدین صورت که حقوق یا فوق‌العاده مدت نمایندگی معادل حقوق مستخدمین عالی دولت می‌باشد. ولی به حقوق نمایندگان مبلغی معادل  $\frac{1}{3}$  به عنوان فوق‌العاده اضافه می‌شود. عدم حضور در جلسات و همچنین اجرای مقررات انضباطی ممکن است موجب کسر مبلغی از حقوق نمایندگان گردد.

### و- محل تشکیل جلسات

۱- امریکا: هر دو مجلس سنا و نمایندگان امریکا در یک بنای عظیم و تاریخی معروف به «کاپیتول» مستقر شده‌اند. در این بنا علاوه بر سالن‌های جلسات عمومی و جلسات کمیته‌ها، هر یک از سناتورها و نمایندگان نیز دفتر مخصوصی دارند که به مراجعات موکلین خود در همان جا رسیدگی می‌کنند.

۲- فرانسه: مجلس ملی فرانسه در قصر «بوربون» تشکیل می‌گردد. نمایندگان مجلس سنا در قصر «لوکزامبورگ» اجتماع می‌کنند. نمایندگان مجلس ملی و سناتورها با هم در یک جا تشکیل جلسه نمی‌دهند مگر در موارد استثنایی که این اجتماع کنگره نامیده می‌شود و در قصر «ورسای» تشکیل

دولت مسلوب‌الاختیار است و دولت فقط در مقابل مجلس ملی مسئول است.

### ب- وظایف و اختیارات قانون‌گذاری

۱- امریکا: مهم‌ترین مسئولیت کنگره امریکا تصویب قوانین است. به این منظور کنگره یک رشته قوانین برای ایالات متحده وضع می‌نماید که به موجب آن نوع مسائل و مشکلاتی که دولت باید به آنها توجه داشته باشد مشخص می‌شود. ادارات و دستگاه‌های دولتی هم که باید زیر نظر قوه مجریه انجام وظیفه کنند به وجود می‌آیند و وسائل و موجبات لازم هستنی بر اصول دمکراتیک برای کنترل و نظارت این دستگاه‌ها فراهم می‌گردد.

قانون اساسی امریکا تصریح می‌کند که کنگره در چه مواردی می‌تواند قانون وضع کند. قوانین مربوط به امور بازرگانی، دفاع، نشر پول، اعتبارات و مهاجرت از آن جمله هستند. علاوه بر این یک رشته اختیارات غیرعادی در خصوص خدمات پستی و قبول ایالت جدید در جرگه اتحادیه به کنگره اعطا گردیده است.

قانونی که از طرف کنگره به تصویب می‌رسد به قوت خود باقی است مگر این که به وسیله کنگره دیگر ملغی شود. با این حال کنگره یک مجلس قانونگذاری ملی در یک دولت فدرال است و به عبارت دیگر برای وضع قوانینی که بر ملت حکومت کند دارای قدرت نامحدود نیست بلکه بسیاری از قوانینی که امریکایی‌ها از آن تبعیت می‌کنند به وسیله مجالس قانونگذاری ایالتی وضع می‌شود که کنگره بر آنها کنترل و نظارت

مجلس نمایندگان این حق را اعطا کرده است که تمام قوانین مربوط به درآمدها را پیشنهاد کند. از طرف دیگر آیین‌نامه داخلی مجلس نمایندگان این مزیت را دارد که اتخاذ تصمیمات سریع و جسورانه را مجاز می‌داند. با این وصف زمانی که اختیارات محدودیت‌های هر یک از دو مجلس را مقایسه کنیم می‌بینیم که اقتدارات آنها کاملاً مساوی است و از این لحاظ هیچ‌یک بر دیگری برتری ندارد. این تساوی اختیارات برای همیشه در قانون اساسی امریکا تثبیت گردیده به طوری که قانون اساسی بیان می‌دارد: «هر قانونی قبل از این که برای توشیح تقدیم رئیس‌جمهوری شود باید به شکل یکسان و همانندی از تصویب دو مجلس بگذرد، بنابراین هیچ‌یک از دو مجلس کوچک‌ترین قدرتی ندارد که نظر خود را درباره قانونی بر دیگری تحمیل کند».

۲- فرانسه: در جمهوری چهارم فرانسه شورای جمهوری که به جای مجلس سنا تشکیل شده بود در مقابل مجلس ملی نیرومند، تضعیف شده بود و اختیارات کاملی نداشت. اما در قانون اساسی سال ۱۹۸۵ فرانسه اختیارات مجلس سنا افزایش یافته و این مجلس نیز اختیاراتی مشابه با اختیارات مجلس ملی دارد. تنها استثنایی که به تساوی اقتدارات دو مجلس وارد است در موارد زیر است:

- ۱- مجلس ملی نسبت به لوایح مالی و تصویب بودجه از برتری برخوردار است؛
- ۲- مجلس سنا در خصوص استیضاح از



اساسی فرانسه تصویب نظامات در امور کشور به جز موارد مصرح در ماده ۳۴ در قلمرو آیین نامه و تصویب نامه است. این بدان معنی است که اصل بر صلاحیت عام قوه مجریه است که مفهوم مخالف آن این است که صلاحیت قانونگذاری قوه مقننه منحصر به موارد احصا شده در قانون اساسی می باشد.

در خصوص تفویض اختیارات قوه مقننه به قوه مجریه، قانون اساسی سال ۱۹۵۸ به مجلس مقننه اجازه داده است که حتی در موارد احصا شده هم به قوه مجریه تفویض اختیار کند تا برای مدت معینی با صدور تصویب نامه به وضع نظامات پردازد به شرط آن که تا قبل از انقضای مدت، مصوبات خود را برای تصویب نهایی به مجلس مقننه تقدیم نماید. در صورتی که دولت مصوبات مذکور را در پایان مدت به مجلس تقدیم نکند آن مصوبات اعتبار خود را از دست خواهند داد.

گذشته از این، چنانچه دولت تشخیص دهد قانونگذار از صلاحیت خود خارج شده است در این صورت می تواند مصوبه مجلس قانونگذاری را برای مطابقت با قانون اساسی به شورای قانون اساسی ارجاع کند و در صورتی که نظر این شورا بر لغو آن قانون باشد دولت می تواند با تصویب نامه خود آن قانون را تغییر دهد.

### ج- نظارت بر قوه مجریه

۱- آمریکا: در نظام حکومتی آمریکا اصل

ندارد زیرا هر یک از مجالس قانونگذاری ایالات برای حوزه خود درباره موضوعات مختلفی از قبیل فرهنگ، بهداشت، حمل و نقل، شرایط کار و برقراری نظم قانون وضع می کند.

در خصوص تفویض اختیارات کنگره آمریکا به مقامات دیگر باید گفت که کنگره هرگز اختیارات خود را به مقام دیگری واگذار نمی کند مگر در مواقع ضروری که تاکنون پنج بار پیش آمده است. با این حال دادن اختیار از طرف کنگره به دولت ایالات متحده آمریکا به معنای این نیست که کنگره از خود سلب اختیار می کند بلکه هدف از آن سرعت بخشیدن به کار در مواقع ضروری است. با این حال در آمریکا قاعده عمومی بر این است که اولاً تفویض اختیار باید به موجب صریح قانون خاصی باشد. ثانیاً قانونگذار نمی تواند این اختیار را به طور مطلق و نامحدود تفویض کند. ثالثاً اعطای اختیارات در صورتی که مخالف قانونی اساسی تشخیص داده شود ممکن است از طرف دادگاه های آمریکا حکم غیرقانونی بودن آن داده شود.

۲- فرانسه: قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه اختیارات قانونگذاری مجلس مقننه را به طور قابل توجهی محدود کرده است. مطابق ماده ۳۴ قانون اساسی سال ۱۹۵۸ فرانسه، صلاحیت قوه مقننه منحصر به مواردی است که صراحتاً از آن نام برده شده است. همچنین به موجب ماده ۳۷ قانون

تفکیک قوای سه گانه، اصلی محترم و مقدس شمرده شده است و قوه قانونگذار نمی تواند وظایف قوه اجراییه را خود به انجام برساند. با این حال یکی از وظایف اصلی کنگره امریکا این است که اعمال قوه اجراییه را مورد نظارت قرار دهد و کنترل نماید. تمام کسانی که تاکنون در امریکا راجع به وظایف کنگره در کتابها بحث و اظهار عقیده کرده اند متفق القول اند که مهم ترین وظایف کنگره امریکا همین نظارت بر اعمال قوه اجراییه در تمام رشته های مربوط به اجرای وظایف آن قوه است. کنگره امریکا به شیوه های مختلف در اعمال قوه مجریه نظارت می کند.

یکی از ابزارهای کنگره برای نظارت بر قوه مجریه کمیته های تحقیق هستند. کمیته های تحقیق هنگامی از طرف کنگره تشکیل می شود که افکار عمومی به هیجان بیاید و از کنگره بخواهد کارهای قوه اجراییه را مورد تحقیق و بررسی قرار دهد. در این صورت از طرف یکی از دو مجلس و یا از طرف هر دو مجلس کمیته ای برای تحقیق تشکیل می شود و از اولیای امور دعوت می نماید که در آن حاضر شوند و به سؤالات نمایندگان و سناتورهایی که عضو کنگره هستند پاسخ دهند. یکی از راه های دیگر که کنگره می تواند بر قوه مجریه نظارت کند از طریق تک تک نمایندگان است.

قوه قانون گذاری ایالات متحده برای نظارت در کارهای قوه مجریه وظیفه خود را از شش طریق به انجام می رساند که عبارت اند از:

- ۱- ایجاد سازمان های قوه مجریه؛
  - ۲- تعیین وظیفه سازمان های قوه مجریه؛
  - ۳- انتخاب اشخاص برای مدیریت سازمان های قوه مجریه؛
  - ۴- تصویب اعتبار برای هزینه های اداری قوه مجریه و هر نوع هزینه ای که به وسیله متصدیان قوه مجریه باید به مصرف برسد؛
  - ۵- حساب پس گرفتن از قوه مجریه درباره نحوه به مصرف رساندن اعتبارات؛
  - ۶- عزل افراد ناصالح که در قوه مجریه مشغول کار هستند.
- قوه مقننه امریکا اگرچه نمی تواند جای یک کارمند قوه اجراییه را بگیرد اما طوری بر آن کارمند نظارت دارد که اگر وظیفه خود را به انجام نرساند او را اخراج می کند. قوه مقننه برای این کار هم یک وسیله مؤثر دارد و آن حذف حقوق یا مستمری کارمندان قاصر یا خاطی است. چون برقراری حقوق یا حذف مستمری هر کارمند باید به تصویب قوه قانون گذاری امریکا برسد.
- ۲- فرانسه: در قانون اساسی سال ۱۹۵۸ فرانسه در باره نظارت پارلمان بر اعمال حکومت از اصول حکومت پارلمانی پیروی شده است. مخصوصاً این که تثبیت مسئولیت سیاسی دولت در مقابل پارلمان ملحوظ شده است. بنابراین از این نظر پارلمان فرانسه دارای اختیارات لازم می باشد. اگر چه در جمهوری پنجم پارلمان نفوذ و دخالت زیادی در امور دولت ندارد ولی در هر حال پارلمان دارای حق نظارت

## پیشینه کارگروه مجلس دنیا

می دهد. نماینده سؤال کننده می تواند حداکثر پنج دقیقه در اطراف سؤال خود توضیحات لازم بدهد و سایر نمایندگان نمی توانند در این مورد توضیح بدهند یا بحث نمایند. سوم سؤالات شفاهی با شور و بحث؛ در این مورد بعد از دادن پاسخ از طرف وزیر مربوطه مذاکره و بحث شروع می شود. در این مورد نمایندگان می توانند صحبت کنند ولی الزامی در بین نیست که از طرف مجلس اظهار نظر یا رأی گرفته شود.

۲-۲- تقاضای رأی اعتماد: اصطلاح رأی اعتماد در قانون اساسی سال ۱۹۵۸ فرانسه به کار نرفته است اما عملاً وجود دارد و مورد پیدا می کند زیرا طبق ماده ۴۹ قانون اساسی، نخست وزیر مسئولیت سیاسی دولت در مقابل پارلمان را به عهده دارد. بنابراین ممکن است بعد از مشورت با شورای وزیران از نظر تأیید دولت و برنامه آن از مجلس ملی تقاضای رأی اعتماد نماید. همچنین نخست وزیر می تواند با تقاضای رأی اعتماد، نظر مجلس ملی را نسبت به سیاست عمومی دولت یا تصویب یک عهدنامه یا یک قانون استعلام نماید. این نکته قابل ذکر است که مسئولیت سیاسی دولت فقط در مقابل مجلس ملی مورد انتقاد و صدور رأی اعتماد واقع می شود نه در مقابل مجلس سنا.

۲-۳- پیشنهاد سانسور یا سلب اعتماد: در قانون اساسی جمهوری پنجم استیضاح دولت به شیوه ای که در قوانین قبلی مقرر

نسبت به اعمال دولت می باشد. اجرا و اعمال این حق ممکن است منجر به مسئولیت سیاسی گردد و موجبات سقوط دولت را فراهم سازد. دولت باید مورد اعتماد پارلمان مخصوصاً مجلس ملی باشد اما در این مورد روش خاصی در نظر گرفته شده تا از زیاده روی های مجلس ملی به صورتی که در جمهوری سوم و مخصوصاً در جمهوری چهارم به شدت وجود داشت جلوگیری شود؛ زیرا زیاده روی های مذکور موجبات ضعف و عدم ثبات دولت ها را فراهم ساخته و به شئون بین المللی و اعتبار و حیثیت کشور فرانسه لطمات زیادی وارد می نماید.

به هر حال نظارت قوه مقننه و پارلمان در اعمال حکومت فرانسه از طریق زیر تأمین و اجرا می شود:

۲-۱- سؤال: در جمهوری پنجم فرانسه در مورد سؤالات نمایندگان وسعت نظر منحوظ گردیده است به قسمی که هر هفته یک جلسه پارلمان مختص سؤالات نمایندگان و پاسخ دولت است. سؤالات نمایندگان نیز بر سه نوع می باشد: اول سؤالات کتبی که مانند روش معمول در جمهوری چهارم این گونه سؤالات به نخست وزیر که مسئولیت سیاسی دولت به عهده اوست داده می شود و متن سؤال و پاسخ دولت در روزنامه رسمی درج می گردد. دوم سؤالات شفاهی که بدون شور و بحث در این مورد، وزیر مربوطه پاسخ

#### د- اختیارات سیاسی قوه مقننه

۱- امریکا: قوه مقننه امریکا در روند قانون‌گذاری خود در بعضی مواقع با مسائلی مواجه می‌شود که مربوط به سیاست دولت امریکا و به ویژه سیاست خارجی این کشور است. طبق بند هشتم اصل اول قانون اساسی امریکا کنگره اختیار دارد مقررات بازرگانی با ملل دیگر و همچنین مقررات ورود مهاجرین به امریکا را تنظیم کند و برای کسانی که قصد دارند تبعه امریکا شوند آیین‌نامه وضع نماید. اعلان جنگ نیز از اختیارات کنگره است. همچنین مناسبات دیپلماتیک با سایر کشورها باید به تصویب کنگره برسد. هر گونه کمک که از طرف دولت ایالت متحده امریکا به سایر کشورها می‌شود باید با تصویب کنگره باشد؛ به طوری که دولت امریکا نمی‌تواند به کشورهای دیگر وام دهد و یا از آنها وام بگیرد مگر با تصویب کنگره.

به موجب بند دوم اصل دوم قانون اساسی امریکا دولت این کشور نمی‌تواند بدون موافقت مجلس سنا با دول دیگر پیمان بدهد. عزل و نصب سفرا و وزرای مختار و کنسول‌های امریکا در کشورهای دیگر نیز باید با موافقت مجلس سنا باشد. به موجب قانون اساسی برای تصویب پیمان‌ها و معاهدات، آرای دو سوم سناتورها ضرورت دارد. یعنی حداقل ۶۶ نفر باید به آن معاهده یا پیمان رأی بدهند. در غیر این صورت آن پیمان به تصویب نخواهد رسید. بزرگ‌ترین کمیته سنا از لحاظ نظارت بر سیاست خارجی دولت

بود حذف گردیده و به جای آن روش خاصی به اسم «سانسور» مقرر گردیده است. پیشنهاد سانسور وسیله‌ای است که توسط آن نمایندگان مجلس ملی می‌توانند بر علیه دولت اقدام نمایند و احتمالاً موجب سقوط آن را فراهم سازند؛ زیرا هرگاه مجلس ملی به پیشنهاد سانسوری که تقدیم مجلس شده رأی موافق دهد حکومت ساقط خواهد شد.

به موجب قانون اساسی سال ۱۹۵۸ پیشنهاد سانسور وقتی قابل پذیرش است که حداقل از طرف یک دهم نمایندگان مجلس ملی امضا شده باشد و برای اخذ رأی هم در این مورد روش خاصی در نظر گرفته شده که به شرح زیر است:

۲-۳-۱- اخذ رأی درباره پیشنهاد سانسور باید بعد از ۴۸ ساعت بعد از دریافت پیشنهاد سانسور باشد.

۲-۳-۲- پیشنهاد سانسور در صورتی تصویب و پذیرفته خواهد شد که با اکثریت مطلق نمایندگان مجلس ملی تصویب شود. با این توضیح که فقط آرای موافق با سانسور به حساب می‌آید.

۲-۳-۳- اگر پیشنهاد سانسور پذیرفته نشود و مورد تأیید مجلس ملی واقع نگردد، نمایندگان امضاکننده طرح پیشنهاد سانسور نمی‌توانند در همان دوره اجلاس مجلس ملی مجدداً تقاضای سانسور نمایند. از این نظر نظارت مجلس ملی و سقوط احتمالی حکومت محدود می‌شود.

ب- موافقت با اعلان جنگ: اختیار پارلمان فرانسه در مورد اعلان جنگ از ماده ۳۵ قانون اساسی ناشی می‌شود. این اصل مقرر می‌دارد که: «اعلان جنگ با اجازه پارلمان خواهد بود» ولی از نظر عملی با توجه به روش جنگ‌های جدید- که اخذ تصمیم باید در ظرف مدت محدودی صورت پذیرد- حکومت مجبور است اقدامات لازم را به موقع به عمل آورد و پارلمان در مقابل عمل انجام یافته قرار می‌گیرد ولی در هر صورت موافقت پارلمان ضرورت دارد.

### ه- اختیارات مالی

۱- امریکا: کنگره امریکا اختیارات مالی زیادی دارد که از طریق آن می‌تواند بر قوه مجریه این کشور تأثیر بگذارد. مواردی که کنگره می‌تواند از طریق آن اختیارات مالی خود را در نظارت بر امور مالی کشور عملی کند موارد زیر هستند:

۱-۱- وصول مالیات: قسمت اعظم کارهای کنگره امریکا به طور مستقیم یا غیر مستقیم به وصول درآمد از مردم و خرج آن از طرف دولت مربوط است. مجالس قانونگذاری ایالات و همچنین کنگره فدرال امریکا برای مسئله مالیات اهمیت زیادی قائل هستند، به طوری که در امریکا هیچ نوع مالیاتی را نمی‌توان از مردم گرفت مگر بعد از این که به تصویب کنگره برسد. در امریکا تمام لوایح مالیاتی که باید به تصویب کنگره برسد اول باید در مجلس نمایندگان مطرح گردد و اگر در آن مجلس به تصویب رسید برای اظهار

ایالات متحده کمیته روابط خارجی آن می‌باشد که از عقد پیمان گرفته تا تغییر مرزها و مسائل مربوط به سازمان ملل در آن مطرح می‌شود. با این وجود، علاوه بر کمیته روابط خارجی سنا که پیوسته سیاست خارجی دولت را تحت نظارت قرار می‌دهد سایر کمیته‌های مجلس سنا هم در مسائل خارجی صاحب نظر هستند. به طوری که در مجلس سنا کمیته‌ای وجود ندارد که به یکی از مسائل سیاست خارجی رسیدگی نکند.

اگر چه به موجب قانون اساسی ایالات متحده امریکا، سیاست خارجی در حیطه صلاحیت مجلس سناست اما باید دانست که به ویژه از زمان جنگ جهانی دوم به بعد مجلس نمایندگان نیز از طریق کمیته امور خارجی خود سیاست خارجی دولت را تحت نظارت دارد.

۲- فرانسه: اختیارات پارلمان در امور سیاسی کشور فرانسه در دو مورد است:

الف- تصویب عهدنامه‌ها: در این مورد پارلمان دارای حقوق و اختیارات مطلق نیست. به عبارت دیگر تمام قراردادهای عهدنامه‌ها به تصویب پارلمان نمی‌رسند. بلکه به طور کلی عهدنامه‌های مهمی همچون عهدنامه‌های صلح و قراردادهای مربوط به سازمان‌های بین‌المللی یا عهدنامه‌های مربوط به تغییر تمامیت ارضی کشور به تصویب پارلمان می‌رسد که بعد از آن با امضای رئیس جمهوری مبادله خواهد شد.

نظر به مجلس سنا می‌رود. کنگره امریکا نظارت می‌کند تا قوه مجریه بیش از میزانی که به تصویب کنگره رسیده از مردم مالیات نگیرد و نیز آنچه از مردم گرفته می‌شود به مصرفی که در قانون برای آن تعیین شده است برسد.

۱-۲- رسیدگی به بودجه: از وسایل مؤثر کنگره برای نظارت بر امور مالی رسیدگی به لایحه بودجه است که از سوی رئیس جمهور به کنگره تقدیم می‌شود. کنگره بر اقلام بودجه دقیقاً نظارت می‌کند و حتی از بررسی جزئیات هم فروگذار نمی‌نماید. رئیس جمهور لایحه بودجه را اول به مجلس نمایندگان تقدیم می‌کند و مجلس مزبور نیز آن را برای کمیته اعتبارات که مخصوص رسیدگی به بودجه است ارسال می‌دارد. پس از بررسی بودجه در کمیته فرعی، کمیته اعتبارات مجموعه بودجه را تحت مطالعه قرار می‌دهد و آن را پس از بررسی تصویب می‌نماید و گزارش کار خود را برای مجلس نمایندگان می‌فرستد. مجلس نمایندگان بعد از شور بودجه را به تصویب می‌رساند و آن گاه به مجلس سنا می‌فرستد که پس از بحث و بررسی در مجلس سنا مورد تصویب قرار می‌گیرد ولی اگر تغییراتی در آن داده شود باید توسط کمیته مشترک، تغییرات تصویب شود و برای تصویب به دو مجلس سنا و نمایندگان بفرستد.

۱-۳- نظارت کمیته‌های فرعی بر مصرف بودجه: وقتی بودجه از تصویب دو مجلس نمایندگان و سنا گذشت باز هم کمیته‌های

فرعی به خصوص کمیته‌های مجلس نمایندگان بر مصرف بودجه نظارت دارند. نظارت مزبور به این ترتیب است که بعضی اوقات رؤسای اداراتی که بودجه آنها در کمیته فرعی به تصویب رسیده به کمیته فرعی مجلس نمایندگان می‌روند و نحوه مصرف بودجه را برای اعضای کمیته فرعی توضیح می‌دهند. علاوه بر این رؤسای سازمان‌های دولتی که بودجه آنها از طرف کنگره تصویب می‌شود مسئول هستند هر نوع اطلاعاتی که دو مجلس راجع به بودجه می‌خواهند در دسترس‌شان قرار دهند.

۱-۴- تصویب اعتبارات اضافی: در بعضی موارد به دلایل مختلف رئیس جمهور امریکا خواستار تصویب اعتبارات اضافی است. لایحه اعتبارات اضافی که از سوی دولت به مجلس تقدیم می‌شود باید به تصویب کنگره برسد. بنابراین کنگره از این طریق می‌تواند به نوعی بر قوه مجریه اثر بگذارد.

۱-۵- رسیدگی به بودجه نظامی: تصویب بودجه نظامی امریکا که در حال حاضر بزرگ‌ترین رقم هزینه در بودجه این کشور است توسط کنگره صورت می‌گیرد. بنابراین از این طریق کنگره می‌تواند در بودجه پیشنهادی دولت تغییراتی بدهد.

۲- فرانسه: اختیارات پارلمان فرانسه برای رسیدگی به لوایح مالی و بودجه دولت همیشه از امور مهم و وظایف اصلی قوه مقننه به شمار رفته است. به طوری که می‌توان گفت صلاحیت پارلمان در این مورد به موازات صلاحیت قانونگذاری آن اهمیت دارد. قانون اساسی سال ۱۹۵۸

چهارم را ادامه داده و در جهت توسعه اختیارات حکومت مقرر داشته است هرگاه پارلمان در ظرف هفتاد روز در مورد لوایح مالی که به پارلمان تسلیم شده وارد شور و بحث نشود و اظهار نظر نکند دولت می تواند لایحه مذکور را با صدور تصویب نامه به پایان رسانیده و برای اجرا بفرستد. لوایح مربوط به امور مالی به مجلس ملی فرانسه تسلیم می گردد.

### و- اختیارات قضایی

۱- آمریکا: وظیفه اصلی مجالس مقننه اگرچه وضع قوانین برای حکومت فدرال است اما مطابق قانون اساسی و همچنین عملاً از این حد فراتر رفته است. به موجب قسمت سوم از اصل قانون اساسی آمریکا، کنگره از طریق مجلس نمایندگان می تواند رئیس جمهور و معاون وی و کلیه قضات و صاحب منصبان کشوری را به اتهام خیانت و ارتشا و سایر جنایات و جنبه های مهم مورد تعقیب قرار دهد. در صورتی که تعقیب به تصویب مجلس نمایندگان برسد محاکمه متهم را مجلس سنا به عهده خواهد گرفت که آرای دو سوم سناتورها برای محکومیت شخص خاطی دارای اعتبار خواهد بود. هرگاه مجلس سنا برای رسیدگی به موضوع اتهام تشکیل جلسه دهد باید به طور رسمی اعلام نماید و اگر رئیس جمهور آمریکا در مجلس سنا محاکمه شود رئیس دیوان عالی آمریکا باید ریاست آن جلسه را بر عهده گیرد. در صورتی که

فرانسه نظارت پارلمان در امر رسیدگی به بودجه را از نظر اصولی پذیرفته است ولی از نظر محدود نمودن دخالت و نظارت پارلمان، تغییر در نحوه انجام رسیدگی و تصویب بودجه محدودیت هایی برای اختیارات پارلمان در سه مورد زیر ملحوظ کرده است:

۱-۲- تقلیل اختیارات پارلمان: از نظر رسیدگی به ارقام جزء بودجه دولت، در جمهوری پنجم لایحه قانونی ۲۰ ژانویه سال ۱۹۵۸، تصویب بودجه را با تصویب سر فصل اعتبارات مربوطه مقرر داشته است و رسیدگی به جزئیات اعتبارات و فصول را که سابقاً توسط کمیسیون های مجلس به عمل می آمد، متروک ساخته است. بنابراین رسیدگی و تعیین ارقام جزء بودجه توسط خود دولت انجام می گردد و برای پارلمان هیچ گونه نظارت و دخالت در ریز اعتبارات مربوط به فصول بودجه مقدور نخواهد بود.

۲-۲- منع نمایندگان پارلمان از نظر دادن: پیشنهاداتی که موجبات افزایش هزینه ها را فراهم می سازد. ماده ۴۰ قانون اساسی سال ۱۹۵۸ مقرر داشته است که پیشنهادات تهیه شده از طرف نمایندگان پارلمان هرگاه موجبات تقلیل درآمد یا ایجاد افزایش هزینه های عمومی را فراهم سازند قابل قبول نیستند.

۳-۲- در مورد حقوق و اختیارات دولت در مورد تأخیر تصویب بودجه: در این خصوص قانون اساسی سال ۱۹۵۸ مقررات جمهوری

از پارلمان گرفته نشده است. عفو و بخشودگی که از طرف پارلمان به عمل می‌آید با بخشودگی یا تخفیف مجازات که از طرف رئیس کشور معمول است از دو جهت متمایز است. اولاً این که عفو پارلمانی صورت عمومی و کلی دارد و بدون استثنا شامل همه محکومین می‌شود. ثانیاً این که عفو پارلمان تمام آثار و عوارض محکومیت را از بین می‌برد. حال آن که در این دو مورد بخشودگی یا تخفیف مجازاتی که از طرف رئیس کشور معمول می‌شود بدین نحو نیست.

### ز- اختیارات قوه مقننه در مورد تجدیدنظر قانون اساسی

۱- آمریکا: به موجب اصل پنجم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، کنگره می‌تواند به پیشنهاد دو سوم اعضای خود و یا به درخواست سه چهارم ایالات امریکا اصل و یا اصولی به قانون اساسی بیفزاید یا آن را اصلاح کند. اصلی که به قانون اساسی امریکا افزوده می‌شود و یا هرگونه اصلاحاتی که در آن به عمل می‌آید برای این که جنبه قانونی پیدا کند باید بعد از تصویب کنگره به تصویب مجالس ملی و دو سوم از ایالات امریکا برسد.

۲- فرانسه: روش عادی تجدیدنظر در قانون اساسی فرانسه از سه مرحله به شرح زیر تشکیل می‌شود:

۱-۲- تنظیم و تقدیم پیشنهاد تجدیدنظر؛

۲-۲- تصویب پیشنهاد به وسیله مجلسین؛

۲-۳- انجام رفراندوم.

تنظیم پیشنهاد تجدیدنظر در

شخصی در مجلس سنا مورد محاکمه قرار گیرد و محکوم شود از شغل خود معزول می‌شود. یکی از مواردی که رئیس جمهور امریکا برای نخستین بار در مظان اتهام قرار گرفت و در مجلس سنا محاکمه شد جریان اتهام «آندرو جانسون» بود که پس از قتل «آبراهام لینکلن» در سال ۱۸۶۴ سمت ریاست جمهوری را بر عهده گرفت که نتیجه آن تبرئه «جانسون» بود. رأی سنا درباره جانسون یکی از وقایع مهم تاریخ امریکا به شمار می‌رود نه از لحاظ تبرئه جانسون بلکه از جنبه احترام سناتورها به قانون اساسی و از طرف دیگر استقلال قوه اجرائیه. مجلس سنا در طول عمر خود علاوه بر محاکمه آندرو جانسون به موارد دیگر نیز رسیدگی و اظهارنظر کرده است.

۲- فرانسه: از نظر قضایی، اختیارات پارلمان فرانسه محدود است زیرا طبق اصل تفکیک قوا اختیارات و قدرت قضایی به محاکم دادگستری تعلق دارد و عمل پارلمان در این مورد منحصر است به اختیار عفو عمومی و محاکمه وزرا و رئیس جمهور و معاونین که جرم آنها از طریق دیوان عالی دادگستری که اعضای آن از بین نمایندگان مجلس سنا و مجلس ملی انتخاب می‌شود، تعیین می‌گردد.

در مورد عفو مجرمین و بخشودگی مجازات آنها، پارلمان می‌تواند در اثرات و نتایج حاصله از اجرای آرای محاکم به عنوان عفو تغییراتی بدهد و این امر یکی از اختیارات متداول و سنت شده پارلمان است و در قانون اساسی سال ۱۹۵۸ نیز این حق



نظر به عمل می‌آید ولی این روش در ایامی که رئیس جمهوری وجود نداشته باشد، قابل عمل نیست. تجدید نظری که از این طریق در قانون اساسی به عمل می‌آید باید به تصویب سه پنجم نمایندگان کنگره برسد. هیئت رئیسه کنگره نیز هیئت رئیسه مجلس ملی خواهد بود.

### منابع و مآخذ

- ۱- راوندی، مرتضی، تفسیر قانون اساسی ایران (تهران: مبشری، چاپ اول) ۱۳۵۷.
- ۲- جاودان، حبیب‌الله، امریکای بزرگ (تهران: اشراقی).
- ۳- حیدریان، محمود، مبادی علم حقوق (تهران: مدرسه عالی ادبیات و زبان‌های خارجی، چاپ دوم، ۱۳۴۹).
- ۴- دربی‌بشر، یان، تحولات سیاسی در فرانسه، ترجمه ناصر موفقیان (تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹).
- ۵- تحولات سیاسی در ایالات متحده امریکا، ترجمه رحیم قاسمی (تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹).
- ۶- دالین‌و، و دیگران، تاریخ فرانسه، ترجمه قاسم صفوی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۷).
- ۷- روبروآرون، تاریخ رهایی فرانسه، ترجمه قاسم صفوی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱).
- ۸- ساجدی، احمد، از جورج واشنگتن تا جورج بوش (تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۷۱).
- ۹- سسریفی، احمد هوشنگ، حقوق اساسی تطبیقی (تهران: دانشکده حقوق، ۱۳۴۵).

□ □ □

قانون اساسی ممکن است از طرف نمایندگان پارلمان یا از طرف رئیس جمهور یا بنا به پیشنهاد نخست وزیر به عمل آید. برای تقدیم پیشنهاد از طرف پارلمان هیچ‌گونه تشریفات و مقررات خاص وجود ندارد و کافی است که پیشنهاد مزبور از طرف یک نماینده مجلس ملی یا یک سناتور امضا شده باشد. در مورد صدور رأی و تصویب پیشنهاد تجدید نظر در قانون اساسی هیچ‌گونه برتری و رجحانی بین دو مجلس وجود ندارد. بنابراین طرح موضوع ممکن است ابتدا در هر یک از مجلسین به عمل آید. این مسئله مؤید آن است که اختیارات مجلس سنا از نظر تجدید نظر در قانون اساسی در جمهوری پنجم وسعت یافته است زیرا مجلس سنا و مجلس ملی دارای اختیارات و حقوق مساوی برای تجدید نظر در قانون اساسی هستند حال آن که قبلاً به این نحو نبود. در خصوص تصویب پیشنهاد تجدید نظر قانون اساسی هر یک باید مستقلاً و جداگانه آن را مورد تصویب قرار دهند و متن مصوب مجلسین هم باید با مضمون واحد باشد. به هر حال طرحی که به وسیله دو مجلس در متن واحد به تصویب رسیده باید از طریق فرآیند به تصویب ملت برسد. گذشته از شیوه فوق، طریقه دیگری هم برای تجدید نظر در قانون اساسی وجود دارد. بدین صورت که با تشکیل کنگره یعنی جلسه مشترک مجلسین ملی و سنا تجدید